

اجتهاد سیستمی، راهبرد کلان تولید الگوی اسلامی پیشرفت در افق آینده

مجید اسمعیلی*، عبدالحمید واسطی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۹

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۲/۱۰

چکیده

تحقق جامعه و دولت اسلامی در راستای تمدن نوین اسلامی مستلزم تولید ساختارها و سیستم‌های پاسخگو به تمامی نیازهای معرفتی، قانونی و فرهنگی است؛ از این رو اسلام با داعیه تأمین کمال بشری و نیل به سعادت اخروی، باید مسیر رسیدن به این هدف را در دنیا مشخص و تدوین بکند؛ در این راستا علم دینی با اتکا بر گزاره‌های وحیانی خطاناپذیر، ظرفیت تولید سیستم‌های دینی را برای ما فراهم کرده که با روش صحیح استخراج و استنتاج گزاره‌های دین می‌توان ساختارها و نظام‌های دینی پاسخگو به نیازهای دنیایی بشر را برای آینده‌ای مطلوب تولید کرد. موجه‌ترین مدل برای استخراج نظر دین، اجتهاد موجود است که متأسفانه این روش با نگاه خرد و فردی به گزاره‌های دین فقط درصدد کشف حکم جزئی فردی یا توصیف گزاره جزئی اخلاقی است. «اجتهاد سیستمی» با ابتنا بر اجتهاد جواهری و با به کارگیری منطق کشف فرآیندها و منطق سیستم‌سازی و مدل‌سازی، الگوریتمی را ارائه می‌دهد که با نگاهی کلان و استراتژیک به گزاره‌های دین، توانایی تولید سیستم‌های دینی را ایجاد می‌کند.

واژه‌های کلیدی:

اجتهاد سیستمی، منطق فرآیندها، اجتهاد تمدنی، مدل تولید علم دینی، تفریع فروع در مقیاس کلان، فقه تمدنی، اجتهاد جواهری.

* پژوهشگر مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام نور مشهد. esmaeili815@yahoo.com
** معاون پژوهش مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام نور مشهد. hvaseti@yahoo.com

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)

مقدمه

فعالیت و کوشش اکثر اصلاح‌گران و احیاگران جهان اسلام بر این محور می‌چرخیده که «اسلام، دینی‌ای اجتماعی است و برای اداره جامعه و نظم و نسق امور، برنامه و دستور دارد». با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این فرصت فراهم شد تا اجتهاد و فقه بار دیگر به صحنه بیاید و توانایی‌های خود را به منصفه ظهور برساند. امروزه پس از سه دهه از تشکیل جمهوری اسلامی، هم نیازها بیشتر احساس شده و هم خلأها ظهور یافته است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که مقام معظم رهبری برای نخستین بار مطرح کردند در حقیقت نقشه راه تحقق تمدن اسلامی است که باید تمامی مراحل آن، یعنی مبانی، اهداف، پیش‌فرض‌ها، سیاست‌ها، چشم‌انداز، راهبردها و روش تولید نظام‌های دینی، برگرفته از وحی به عنوان یک منبع خطاناپذیر باشد.

از این رو امروز عرصه اجتهاد و فقه‌پژوهی، به مثابه عامل پیشران در تمدن‌سازی و مدیریت آینده با روش تولید سیستم‌های دینی، نیازمند واکاوی است، به‌ویژه در ایجاد نگرشی کلان نسبت به اجتهاد و توانایی آن در تولید نظام‌ها و به تبع آن مدیریت فقهی بر زندگی فردی و جمعی و نیز فقه تمدنی. در این راستا این سؤال مطرح است که چگونه می‌توان بر اساس گزاره‌های دینی، سیستم‌های دینی با هدف پیشرفت و تمدن‌سازی و مدیریت آینده، تولید کرد؟ به تعبیر دیگر، روش کشف نظریه‌های علمی و مدل‌های عملیاتی دینی در مقیاس تمدنی برای تحقق آینده مطلوب چیست؟

در واقع این مقاله در صدد ارائه مدلی برتر در تولید سیستم‌های دینی برای پیشرفت است که در این راستا نظریه «اجتهاد سیستمی» ارائه و تبیین شده است. روش تحقیق جهت نیل به هدف، تحلیل سیستمی و استراتژیک گزاره‌های دین می‌باشد. اجتهاد سیستمی با اتکای بر فقه جواهری، الگو و مدلی را به صورت الگوریتمی قدم‌به‌قدم ترسیم می‌کند که به اسلام‌شناس این توانمندی را می‌دهد تا در یک مسیر مشخص به تولید نظام‌های دینی پردازد. فرضیه‌ای که این مقاله در مقام اثبات آن برآمده، این است که اجتهاد سیستمی با اِبتِنای بر فقه جواهری و با تمسک به منطق فرآیندها و منطق تولید مدل و سیستم‌سازی، منجر به تولید علم دینی می‌گردد.

مفاهیم

۱. هویت «تمدن» و «تمدن‌سازی»

با تأمل در تعریف‌های متعددی که از واژه «تمدن» ارائه شده است (دورانت، تاریخ تمدن، مقدمه / رجب‌زاده، تعریف تمدن / دهخدا، لغت‌نامه، واژه تمدن / لغت‌نامه آکسفورد، ذیل کلمه Civilization)، در

تعریف آن می‌توان گفت: تمدن شبکه پایدار ساختارها و سیستم‌های معرفتی، قانونی و فرهنگی، در مقیاس جمعی، با هدف پاسخ‌گویی به کل هرم نیازهای انسان‌ها (چه فردی و چه گروهی) است.

تمدن‌ها در ساختارها و سیستم‌ها متولد می‌شوند. فقط جامعه‌ای که دارای سیستم بهداشتی، آموزشی، قضایی، غذایی، حمل و نقل، امنیتی و دفاعی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی، خانوادگی، عبادی، خدماتی، رسانه‌ای، بین‌المللی و... باشد و این سیستم‌ها بصورت شبکه واحد متصل به هم مدیریت شوند، دارای تمدن خواهد بود. پس برای تمدن‌سازی باید بر سیستم‌سازی و شبکه کردن سیستم‌ها متمرکز شویم.

اگر بخواهیم تمدن‌سازی اسلام را فعال کنیم و فضای جهانی را به سوی پذیرش تمدن اسلام به پیش ببریم باید گفت‌مان مطالبه و تولید سیستم‌ها و مدل‌های شکل گرفته براساس دین را فعال کنیم.

۲. هویت سیستم

تعاریف متعددی از سیستم و مدل ارائه شده است که با تأمل در آنها می‌توان به این جمع‌بندی آنها دست یافت: سیستم، مجموعه‌ای از متغیرهاست که به وسیله یک ناظر (Observer) انتخاب شده‌اند. این متغیرها ممکن است اجزای یک ماشین پیچیده، یک ارگانیسم یا یک مؤسسه اجتماعی باشند. در این تعریف، سه موضوع متفاوت وجود دارد: یک واقعیت (شیء مشاهده شده) (Machine)، یک برداشت (درک) از واقعیت (system)، و یک بیان (نمایش) از برداشت صورت گرفته (model). (زاهدی، ۱۳۹۰)

به عبارت دیگر، سیستم یا شبکه، مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف در تلاش‌اند. در هر شبکه، تغییر هر جزء بر دیگر اجزا و بر کل، تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر، اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند. (واسطی، ۱۳۹۱: ۴۰)

در تعاریف مختلف سیستم، شاهد چند مؤلفه اساسی هستیم: مجموعه‌ای از اجزا، مرتبط بودن و تناسب بین اجزا، ارتباط متقابل میان اجزا و همبستگی اجزا، هدف مشترک، و بیشتر بودن عملکرد کلیت یک سیستم از عملکرد اجزای سیستم.

۳. سیستم‌سازی و مدل‌سازی

جوهره سیستم، روابط بین اجزاست و سیستم‌سازی به معنای تولید فرآیندها می‌باشد. سیستم‌سازی مقدمه مدل‌سازی است و ثمره اصلی بحث از سیستم و نگرش سیستمی، در طراحی و مدل‌سازی متبلور است. تنها راه دست‌یابی به تولیدات و نتایج کارآمد در افکار و

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)

اشیا، مدل‌سازی است و تنها راه دست‌یابی به یک مدل کارآمد، نگرش و تفکر سیستمی است. در مورد مراحل مدل‌سازی و چگونگی و روش طراحی مدل به مقاله «مدل‌سازی با نگاه سیستمی با اقتباس از نظر اسلام» از حجه الاسلام گلکار مراجعه گردد.

۴. هویت دین استراتژیک

استراتژی یا راهبردی، طرحی منسجم، جامع‌نگر و یکپارچه‌کننده برای حرکت در کوتاه‌ترین راه به سوی هدف، با بهترین بهره‌برداری از منابع و امکانات موجود است. استراتژی، راه و روش رسیدن به اهداف بلندمدت و حیاتی است.

نگرش استراتژیک یعنی مهارت در دید کلان و چارچوب‌ها و قواعد نهفته و رصد محیط رقابت و مهارت در محاسبه انواع احتمالات برای فرآیندهایی که شما را به هدف می‌رساند و دین که علم ابراز شده خداوند به بشر است. در حقیقت، بیان معادلات حرکت انسان در شبکه هستی برای اتصال به خداوند است؛ یعنی نظام فکری، قانونی و فرهنگی برای زندگی بشر در این دنیا به هدف عبور از دنیا را ارائه کرده است، و دین‌شناسی، تلاش معرفتی موجه برای کشف نظر خداوند در توصیف‌ها، تبیین‌ها و توصیه‌های او در جوانب مختلف هستی و زندگی است. (واسطی، ۱۳۹۱: ۴۳)

از پیش‌فرض‌های قطعی این تحقیق این است که گزاره‌های دین، حداکثری و دارای ظرفیت معنایی برنامه‌ای و راهبردی هستند و در فهم دین، رویکرد «کشف معنای برنامه‌ای و راهبردی»، این ظرفیت را فعال می‌کند. در صورت عدم توجه به این لایه معنایی، گزاره‌های دین به‌صورت فقط توصیف‌های تکوینی یا توصیه‌های حقوقی اخلاقی فردی، دریافت می‌شوند و قدرت تنظیم کلیه فعالیت‌های انسان در تمام ابعاد زندگی را فارغ از متغیر زمان و مکان نخواهند داشت. چگونگی و روش فعال‌سازی «فهم استراتژی‌ها» از گزاره‌های دین، استفاده از «منطق فرآیندی» است. منطق فرآیندی یعنی عبور از وضعیت ظاهری مصداقی پدیده، و کشف «مفهوم کلی» آن پدیده، یا به تعبیر دیگر کشف «روح معنایی» است که نقطه ثقل اجتهاد سیستمی است و در روند تبیین اجتهاد سیستمی به آن می‌پردازیم.

موارد زیر به‌عنوان مثال‌هایی برای راهبردی بودن گزاره‌های به‌ظاهر توصیه‌ای اخلاقی فردی هستند. (تصویر ۱)

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)



تصویر ۱ (شواهد نمونه و مثال برای راهبردی بودن گزاره‌ها)

۵. هویت «علم دینی»

دین برنامه حرکت انسان در این دنیا برای تنظیم بهترین ارتباط در شبکه هستی به سوی عالم توحید خواهد بود. علامه طباطبایی در تعریف دین می فرماید: «روش خاص در زندگی دنیا که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین می کند، و هم در عین حال با کمال اخروی و زندگی دایمی و حقیقی در جوار خدای تعالی موافق است، ناگزیر چنین روشی باید در شریعتش قوانینی باشد که متعرض حال معاش به قدر احتیاج نیز باشد». (طباطبایی، المیزان ج:۲: ۱۹۴)

وظیفه اسلام شناسان برای دستیابی به تمدن الهی استخراج مدل‌های کاربردی لازم برای ابعاد مختلف زندگی از دین است.

«علم دینی» علمی است که قضایا و مسائل آن و محمولات گزاره‌ها، از دین گرفته شده است؛ یعنی در قضیه «هر الف ب است»، باید محمول که «ب» است از دین گرفته شود. قسمت «الف» که موضوعات و مسائل انسانی قرار می‌گیرد که از استقرار نقشه موضوعات و مسائل زندگی بشر یا موضوعاتی که توسط دین مطرح شده، گرفته می‌شود. در قرائت‌های مختلفی که علم را به دین نسبت دهند ملاک‌های زیر مورد توجه و تصریح قرار گرفته است:

علمی که در خدمت اهداف دین باشد علم دینی است، یا علمی که توسط متدینین تولید شود دینی است، یا علمی که درباره دین باشد دینی است، یا علمی که مورد تأیید دین باشد علم دینی است، یا علم تجربی که در دستگاه فکری دین (پیش‌فرض‌های دینی) تولید شود دینی است، یا علمی که فرضیه‌های خود را از دین وام گرفته باشد دینی است؛ ولی لازمه صحت اطلاق و نسبت «علم» به «دین» این است که جنس آن گزاره، دینی باشد و برای این کار باید محمول آن دینی باشد یعنی متخذ از نقل و وحی باشد. ملاک «دینی بودن»

محمول نیز این است که مدلول مطابقی یا تضمّنی یا مدلول التزامی، گزاره‌های وحیانی (قرآن و روایات معصومین) باشد. دقت در کلمه «مدلول التزامی» لازم است یعنی تمام لوازم عقلانی قطعی که بر یک آموزه مستقیم دینی بار می‌شوند جزو دایره دینی بودن هستند.

در مورد منبع بودن «عقل» برای صدور حکم «دینی بودن گزاره» باید گفت که اگر عقل به صورت قطعی حکمی را صادر کرد، چون گزاره‌های عقلی مورد تأیید دین هستند، علم حاصل از آن را مورد تأیید دین می‌نامیم، نه اینکه جنس این گزاره دینی باشد، بلکه جنس گزاره عقلی است. بنابراین تعریف علم دینی عبارت است از: فرآوری گزاره‌های دین در موضوعات مختلف زندگی به صورت سیستم‌های قابل رقابت با سیستم‌های بشری.

۶. هویت «نظریه و نظریه‌پردازی»

نظریه در حقیقت تبیین‌کننده یک پدیده و یک واقعیت است که مشخص‌کننده رابطه علی و معلولی (ربط الشیء) برای رسیدن به آثار آن پدیده است. به تعبیری جامع، نظریه عبارت است از بسته معرفتی ارائه‌دهنده چیرستی، چرایی یا چگونگی یک پدیده که حاوی تعاریف، اصول موضوعه، قوانین، قضایا و توصیف رابطه میان متغیرهای مرتبط با آن پدیده باشد و نظریه‌پردازی، تلاش معرفتی موجه برای دست‌یابی به چیرستی یا چرایی یا چگونگی یک پدیده به صورت بسته فوق.

۷. هویت «اجتهاد» و چگونگی آن

اجتهاد در لغت به معنای نهایت سعی و تلاش در کاری است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج: ۳، ۱۳۳) اما در اصطلاح فقهی، عبارت است از: به کار بردن توانایی‌های علمی و تلاش و کوشش فکری برای استنباط احکام شرعی از منابع آن (قرآن، سنت، عقل و اجماع). به تعبیری دیگر، اجتهاد به معنای عام، تلاش روشمند برای کشف نظر خداوند در کلیه موضوعات و مسائل زندگی است (آموزه‌های معرفتی، قانونی و فرهنگی دین).

امام صادق(ع) در حدیث مسند و صحیحی می‌فرماید: «إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُلْقِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَ عَلَيْكُمْ أَنْ تُفَرِّعُوا» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج: ۲۷، ۶۲) ما بیان اصول می‌نماییم و تفریع فروع از اصول و تطبیق آن بر موارد برعهده شماست.

در کتاب پارادایم اجتهادی دانش دینی آمده است: «اجتهاد دینی اصطلاحاً کوشش علمی بر اساس منابع معتبر، به واسطه ابزار و عناصر لازم برای تفهم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دین به گونه‌ای است که از اعتبار (حجیت یا صرفاً منجزیت و معذرت) برخوردار باشد».

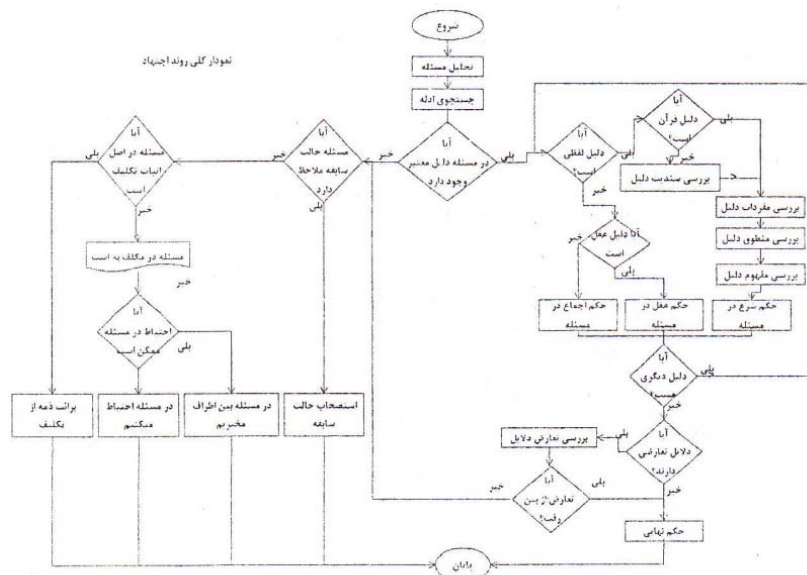
(علی‌پور و حسنی، ۱۳۹۰: ۶۰)

نموداری زیر مراحل استنباط و اجتهاد را به صورت کلی نشان می‌دهد که مصطفی جلالی ارائه کرده است. (تصویر ۲)

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)



تصویر ۲ (نمودار کلی روند اجتهاد)

در کتاب فقه تربیتی، نمونه‌ای از روند عمومی استنباط به شرح زیر ارائه شده است:

۱. طرح مسئله: مانند: آیا تحصیل در هر رشته علمی و کسب هر معرفتی اعم از وحیانی و بشری، مطلوب ذاتی است و به عنوان اولی رجحان دارد؟ آیا تحصیل دانش بدون انگیزه خداشناسی یا کمال و هدایت، به خودی خود و با قطع نظر از عناوین سودآوری و زیانباری آن، مستحب است؟
۲. نفوذ به متعلق حکم برای کشف لایه‌های آن. مانند: بررسی واژه «علم» و معانی اصطلاحی موجود با توجه به گستره وسیع اصطلاحات این واژه برای تعیین مراد و مفهوم از علم.
۳. بررسی پیشینه بحث، شامل مراحل: بیان آرا و دیدگاه‌های موجود، ثمره نزاع و نتیجه اختلاف این دیدگاه‌ها، ذکر ادله و شواهد هر دیدگاه در آثار متفکران.
۴. بررسی تفصیلی ادله هر دیدگاه، شامل مراحل: الف) دلیل عقلی: تقریر این دلیل، نقض و ابرام دلیل بیان‌شده، بیان تقریر بزرگان در این نظریه، ذکر اشکالات موجود در این تقریر، و اثبات نظر مختار.

ب) ادله قرآنی: ذکر خلاصه مدعی، دسته بندی آیات بر اساس واژگان مرتبط، بررسی مدلول انفرادی آیات با توجه به متعلق این واژگان، بررسی مدلول جمعی و رابطه سنجی آیات. استدلال بر نظریه. نقد و بررسی استدلال و اثبات نظر مختار.

ج) ادله روایی:

- ۱) گروه بندی کلان روایات مثلاً روایاتی که لحن انشایی و دستوری دارند و روایاتی که بیانی اخباری و توصیفی دارند؛
- ۲) دسته بندی خرد در هر گروه مثلاً گروه دوم به دو دسته روایات بیانگر ارزش علم و علم آموزی و روایات بیانگر جایگاه و ارزش دانشمندان تقسیم می شود؛
- ۳) بررسی سندی روایات هر دسته؛
- ۴) گردآوری روایات هم مضمون، در مجامع روایی اهل سنت؛
- ۵) بررسی مدلول انفرادی روایات؛ بررسی سندی این روایات به اجمال؛
- ۶) به کارگیری قواعد حدیثی مانند «قاعده ضم احادیث» برای دستیابی به گزاره های مشترک از میان روایات متعدد اما ضعیف السند؛
- ۷) بررسی معانی متعلق حکم «علم» در ادبیات قرآنی و روایی؛
- ۸) تطبیق مدلول روایات با کاربردهای متعلق حکم «علم» در ادبیات قرآنی و روایی؛
- ۹) نقض و ابرام احتمالات در این تطبیق برای انتخاب احتمال صحیح. (مشکل ترین مرحله دلالتی، این قسمت است که بر پایه دقت های اصولی قرار دارد)؛
- ۱۰) تجمیع قرائن بر احتمال مختار در هر روایت؛
- ۱۱) جمع بندی دلالتی روایات هر دسته (مدلول جمعی)؛
- ۱۲) جمع بندی دلالتی همه گروه ها؛
- ۱۳) ویژگی های حکم؛
- ۱۴) اثبات نظر مختار. (اعرافی، ۱۳۹۱: ۴۰)

۸. هویت «اجتهاد سیستمی» با نقطه ثقل منطق فرآیندها

اجتهاد سیستمی عبارت است از به کارگیری تمام تلاش برای کشف نظر خدا در پاسخ به نیازهای خرد و کلان جامعه دینی و تولید سیستم های مورد نیاز بشر، از منابع دین با روش منطق فرآیندها و منطق مدل سازی. وظیفه عالمان دین تدوین ساختارهای مورد نیاز تمدن خدا محور است، که با کشف فرآیندها و سیستم های به هم پیوسته مورد نیاز زندگی براساس گزاره های دین تولید می شود.

دین‌شناسان برای بقا و اثبات کارآمدی دین در عرصه مدیریت اجتماعی و ساخت آینده مطلوب دینی در شرایط حاضر، موظف به تولید سیستم‌های مورد نیاز زندگی در تمام ابعاد هستند.

گام اول در تحقق این هدف نیازمند طراحی الگوریتم قدم به قدم و روشمند اجتهادی پویا و نوین برای استخراج و استنتاج گزاره‌های دین در مسیر سیستم‌سازی است. الگوریتم اجتهادی که مبتنی بر همان قواعد عام اجتهاد موجود یعنی اجتهاد جواهری است. امام خمینی (ره) به عنوان فقیهی مبرز و مجاهدی پیشگام، تأکید بر حفظ فقاہت سنتی و ترویج فقه جواهری داشتند و می‌فرمودند: «در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم». (امام خمینی، ج ۲۱: ۲۷۳)

از ویژگی‌های برجسته اجتهاد جواهری، اسلوب و روش قدم به قدم بی‌نظیری است که از ابتدا تا انتهای کتاب جواهر الکلام ثابت مانده است. این اسلوب از جهات متعددی منحصر به فرد بوده است که به طور خلاصه می‌توان گفت:

- ۱) طرح یک اصطلاح فقهی؛
- ۲) بررسی جنبه‌های ادبی و لغوی آن؛
- ۳) ذکر عبارات متن کتاب شرایع الاسلام به صورت شرحی مزجی؛
- ۴) استدلال تفصیلی بر آن؛
- ۵) اشاره به اقوال و آرای دانشمندان بزرگ شیعه در هر موضوع؛
- ۶) نقد آن آرا و اقوال؛
- ۷) اثبات رأی نهایی خود با استدلال و استناد به آیات و روایات و اجماع و دلایل عقلی.

اما خصوصیت برجسته و ممتاز دیگر اجتهاد جواهری که آن را از بقیه روش‌ها متمایز می‌کند پررنگ کردن فقه سیاسی در قالب بحث و بررسی موضوع ولایت فقیه است. صاحب جواهر با نگاهی نو و مبتنی بر ادله فقهی در پی آن است تا از سعه اختیارات فقیه جامع‌الشرایط و از ولایت فقها در امور اجتماعی و سیاسی در عصر غیبت دفاع کند. (مخیر، ۱۳۹۲)

صاحب جواهر در باب اقامه حدود از کتاب جواهر الکلام می‌فرماید:

بأن تعطيل الحدود يفضي ارتكاب المحارم و انتشار المفساد، و ذلك مطلوب الترك في نظر الشرع، و بأن المقتضى لإقامة الحد قائم في صورتی حضور الإمام و غیبتہ، ... قال الكرکی في المحکی من رسالته التي ألّفها في صلاة الجمعة: «اتفق أصحابنا على أن الفقيه

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)

العادل الأمين الجامع لشرائط الفتوى المعبر عنه بالمجتهد في الأحكام الشرعية نائب من قبل أئمة الهدى عليهم السلام في حال الغيبة في جميع ما للنيابة فيه مدخل، و ... (نجفی، ج ۲۱: ۳۹۶)

این مسئله تا آنجا مورد توجه ایشان بوده است که عدم باور به گستره وسیع اختیارات سیاسی و اجتماعی ولایت فقیه را به منزله نچشیدن طعم فقاقت بر می‌شمارند: «فمن الغریب وسوسة بعض الناس فی ذلك، بل كأنه ما ذاق من طعم الفقه شيئاً» (نجفی، ج ۲۱: ۳۹۷)

بنابراین اجتهاد جواهری با دو شاخصه روشمند بودن و اعتقاد به گستره وسیع اختیارات سیاسی و اجتماعی ولایت فقیه و فقه‌سیاسی که لازمه آن نگاه کلان به فقه برای تولید نظام‌های پاسخگو به نیازهای اجتماع است، می‌تواند تنها راه رسیدن به مدیریت فقهی و فقه سیستمی باشد. البته برای تحقق کامل این امر باید متغیرها و مراحل به این اجتهاد افزوده گردد که در روند اجتهاد سیستمی، ذکر خواهیم کرد.

متغیرها، سازه‌ها^۱ و ابعاد نظریه اجتهاد سیستمی

متغیر اول: شبکه مسائل و موضوعات زندگی

تمدن وقتی شکل می‌پذیرد که کلیه لایه‌های نیاز اجتماع بشری به صورت جمعی را پوشش بدهد و ساختار و فرآیندهایی لازم برای پاسخگویی به کلیه لایه‌های نیاز، تعریف شود و به صورت مستمر فعال نگاه داشته شود.

بنابراین ایجاد تمدنی اسلامی در گام نخست منوط به تدوین مدل نیازها و کشف موضوعات و مسائل موجود و مطلوب بشری است. از دو طریق می‌توان به فهرستی جامع از موضوعات و مسائل زندگی بشر رسید: روش قیاسی و روش استقرایی:

- در روش قیاسی با تحلیل مفهومی «زندگی»، «هستی»، «انسان» و «جامعه» و تحلیل فلسفی آنها به ابعاد وجودی‌شان، محورهای اصلی موضوعات و مسائل تأثیرگذار در مسیر زندگی انسان به دست می‌آید.

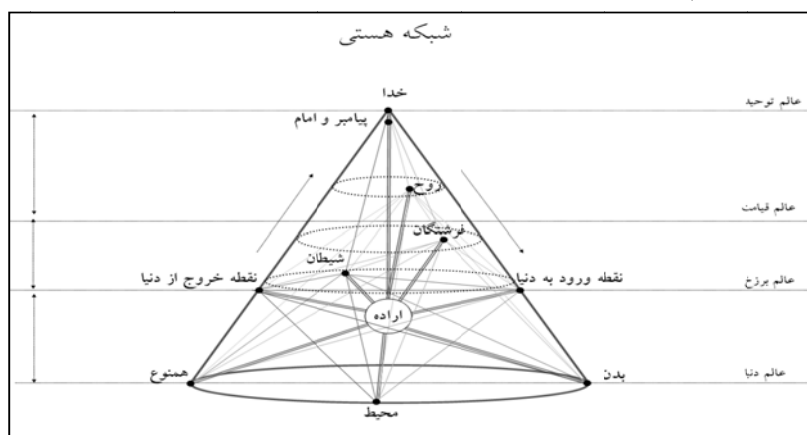
- در روش استقرایی با رصد تمام موقعیت‌هایی که نیازهای انسان در آنها بروز و ظهور کرده است می‌توان به فهرستی اولیه و سپس دسته‌بندی شده رسید، مانند فهرست علوم، فهرست مشاغل، فهرست برنامه توسعه و ...

۱. سازه یعنی الگو یا روابط بین اجزای یک پدیده؛ چارچوب، محورها، ستونها و پایه‌های یک پدیده، که دارای ارتباط خاصی بایکدیگر هستند تا کل پدیده را شکل دهند و زمینه و مرزهای فعالیت آن باشند.

متغیر دوم: لزوم نگاه شبکه‌ای به عالم و هستی

شبکه، مجموعه‌ای به هم پیوسته از «سیستم‌ها» است که هدف واحد یا اهداف متعددی را پوشش می‌دهند؛ و «سیستم» مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق هدف واحدی در تلاش‌اند. در هر شبکه، تغییر یک جزء بر دیگر اجزا و بر کل، تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر، اثر مستقل و جدا از مجموعه ندارند. بعضی اوقات اصطلاح «شبکه» معادل با اصطلاح «سیستم» به کار می‌رود.

برهان در فلسفه اسلام، منجر به نظریه «شبکه‌ای بودن هستی» شده است. مقصود از شبکه هستی، برقراری رابطه علت و معلولی، اثرگذاری و اثرپذیری میان کل پدیده‌ها در تمام لایه‌های عالم وجود است. براساس نظریه فوق، هیچ حرکتی در هستی، بدون تعامل با اجزای دیگر آن انجام نمی‌شود. عوالمی در ماورای دنیا وجود دارند که منشأ و سرچشمه موجودات مادی هستند و فعل و انفعالات موجود در دنیا و موجودات آن، تابعی از فعل و انفعالات موجود در جهان‌های آسمانی است و ایجاد اثری در جهان مادی (که به سبب فعال شدن عللی در ماورا بوده است)، سبب تأثیر در نقاط دیگر ماورایی شده و در نتیجه آثار جدیدی در جهان مادی پدید می‌آید و این چرخه فعل و انفعالات که سررشته آنها متصل به اراده خداوند است، به همین منوال استمرار می‌یابد؛ بدن در روح اثر می‌گذارد و روح در بدن و هر دو در محیط و محیط در هر دو، و هر سه در مجاری ماورایی و سرچشمه‌های موجودات تأثیر می‌گذارند و این مجاری در یکدیگر و در کل دنیا نفوذ دارند. کل این تعاملات، تشکیل شبکه واحدی را می‌دهد که به صورت سیستمی منسجم و یکپارچه، برای تحقق هدفی در ارتباطند. نموداری ابتدایی از شبکه هستی بر اساس فلسفه اسلام به صورت زیر قابل ترسیم است. (تصویر ۳) تصویر ۳ (شبکه هستی)



سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)

متغیر سوم: ساختارها و قوانین هستی، عقل و فطرت (فرآیندهای پایه سیستم)
فرآیندهای پایه سیستم یعنی استخراج ارکان اصلی سیستم که حداقل‌های قطعی آن است و به تعبیر دیگر به آن سیستم پایه گفته می‌شود که مطابق با عقلانیت پایه بشر و مورد قبول همه است.

مراحل کشف فرآیند تولید یک مفهوم اعتباری (کشف سیستم پایه):

۱. یافتن منشأ انتزاع در فضای طبیعی (اقتضائات طبیعت اولیه، حداقل‌های اولیه)؛
۲. حرکت دادن ذهن از ترکیب و پیچیدگی به بساطت و فرد بودن (ظهورات اولیه مفهوم، ظهورات کودکان)؛
۳. حرکت دادن ذهن به سوی کشف نیاز در فضای فوق؛
۴. تلاش برای کشف اثری که نیاز را بر طرف می‌کند (شبیه‌سازی رابطه بین خود و بیرون و ظهورات خود)؛
۵. کشف الزامات نه‌گانه و شش‌گانه و چهارگانه (مقولات، اس‌المطالب و علل اربعه و مراحل سیستم).

عموماً مفاهیم مشکک هستند؛ لذا در این موارد باید دو سطح را طی کرد:
سطح حداقل لازم قطعی ← سیستم اقتضایی تأمین ساز (رفع نیاز بالفعل برای ایجاد همین قطعه از کلان‌نیازها)؛
سطح حداکثر مطلوب و ایده‌آل ← سیستم اقتضایی جاری (در مقایسه با سیستم کلان هستی و شبکه سیستم‌ها ایجاد می‌شود).

متغیر چهارم: شبکه گزاره‌های دین (داده‌ها و منابع اطلاعات)

گزاره‌های دین همان آیات و روایات محکمت برای نسبت‌سنجی و ایجاد انسجام درونی هستند که محمول علم دینی را شکل می‌دهند.

متغیر پنجم: شبکه اهداف، چارچوب‌ها و ارزش‌های بنیادین دین (مرزهای سیستم)

با مراجعه به منابع دینی برای دین دو نوع هدف به دست می‌آوریم:

۱. اهداف کلی (یعنی اهدافی که مختص به باب خاصی از احکام فقهی نیستند که از این نوع اهداف تعبیر به «مقاصد الشریعه» می‌کنند) عبارتند از:
 - تزکیه و پرورش؛
 - تعلیم و آموزش؛
 - اخراج از ظلمت و رساندن به نور (بصیرت) و بالا بردن بینش؛

- برداشتن بارهای سنگین خرافه و جهل از دوش مردم؛
- شکوفا نمودن استعدادها و خردهای پنهان در زیر غبار کفر؛
- برخوردار کردن از زندگی پاکیزه و حیات طیّب؛
- تطهیر از زشتی‌ها و پلشتی‌ها؛
- قیام به عدل؛

- رسیدن به صلاح و فلاح؛

- اهداف مختص به باب خاص (که از آن تعبیر به «علل الشرائع» می‌کنند)، مثلاً در خطبه حضرت فاطمه زهرا(س) آمده است:

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّعْدِآبَادِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَابِرٍ عَنْ زَيْنَبَ بِنْتِ عَلِيٍّ ع قَالَتْ قَالَتْ فَاطِمَةُ (ع) فِي خُطْبَتِهَا فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ وَالزُّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ وَالصِّيَامَ تَنْبِيهاً لِلْإِخْلَاصِ وَالْحَجَّ تَسْنِيهاً لِلدِّينِ وَالْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ الْحَدِيثِ. (جرعاملی، ج: ۱، ۲۲)

درباره اهداف دین می‌توان گفت: هدف نهایی دین، شهود خدا (موجود بی‌نهایت) و هدف میانی دین، برقراری عدل شبکه‌ای در هستی است. برنامه اجرایی برای رسیدن به این اهداف، نیازمند وجود مقدمات و زمینه‌هایی است که عقل، آنها را به‌عنوان جزءالعله ضروری می‌بیند که عبارتند از: بقا و سلامت «نفس و نسل»، بقا و سلامت «عقل و تفکر»، بقا و سلامت «دین»، بقا و سلامت «اجتماع»، بقا و سلامت «محیط». بنابراین اگر انسان‌ها توانایی به‌وجود آوردن این زمینه‌ها را نداشته باشند، دین باید برنامه‌های لازم برای تامین این زمینه‌ها را نیز ارائه کند.

متغیر ششم: منطق فهم دین و الگوریتم اجتهاد جواهری (فرآیند کشف و تحلیل اطلاعات)

منطق فهم دین همان طراحی الگوریتم و فرآیند کشف حکم پدیده‌ها از ادله شرعی است که به نمونه‌هایی از آن در اجتهاد موجود اشاره شد.

متغیر هفتم: مفهوم گسترش یافته «حکم» از «ما یطلبه الشارع»، به «ما صدر عن الشارع لتنظیم الحیاة (ابعاد سیستم)»

در حال حاضر گزاره‌های دین فقط در مسیر استنباط الزامات و بعضاً مستحبات، آن هم در حیطه فردی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در حالی که با ورود گزاره‌های ارشادی و

مستحبات و مکروهات در حیطه الزام فرهنگی و توسعه دایره مکلف فردی، به جمع مکلفان و به تمام فرآیندهای زندگی مکلفان می‌توان تمامی ابعاد زندگی بشر را پوشش داد.

متغیر هشتم: مفهوم گسترش یافته «موضوع» از فعل جوارحی مکلف واحد به کلیه شئون زندگی (خرد و کلان)

بر مبنای «جامعیت شریعت»، همه رفتارهای جوارحی و جوانحی، فردی و اجتماعی (در مقیاس خانواده، محله، شهر، کشور و جهانی و تمدنی) در گستره فقه قرار می‌گیرد.

متغیر نهم: منطق فرآیندیابی در تحلیل (ابزار تحلیل مفهومی)

منطق فرآیندیابی یعنی عبور از وضعیت ظاهری مصداقی پدیده، و کشف «مفهوم کلی» آن پدیده، یا به تعبیر دیگر، کشف «روح معنایی» است که نقطه ثقل اجتهاد سیستمی است.

روح معنایی یعنی جامع معنایی‌ای (جنس، جوهر، ذات) که در تمامی مصداقی معنایی وجود دارد و با حذف آن جامع، شیء از ماهیت خود خارج می‌گردد. قدر جامع معنایی باید چهار خصوصیت داشته باشد:

(۱) جامع باید در حیطه ادراک باشد؛

(۲) جامع باید با قطع نظر از تعلق به مصداقی خودش تحقق و واقعیت داشته باشد؛

(۳) جامع باید بسیط باشد؛

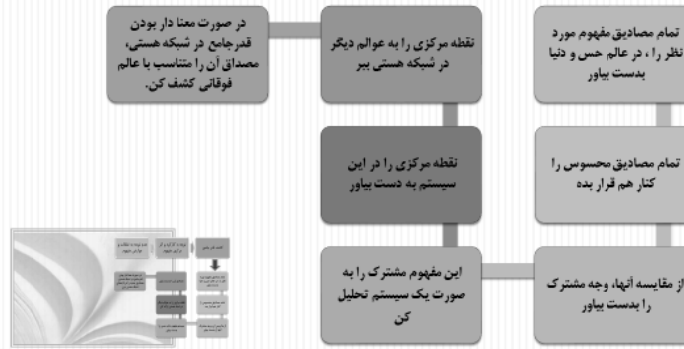
(۴) جامع باید مقید به خصوصیات و لوازم مصداقی نباشد.^۱

برای دستیابی به قدر جامع شاخصه‌های مختلفی همچون تجرید مصداقی از خصوصیات مصداقی یا تجرید از عوارض وجودی یا توجه به کارکرد و اثر آن تبیین شده است؛ ولی به نظر می‌رسد هر کدام به گوشه‌ای از فرآیند کشف قدر جامع اشاره کرده‌اند که می‌توان بین همه این نظریات جمع کرد و فرآیند و چگونگی کشف قدر جامع در شبکه هستی را ارائه نمود.^۲ (تصویر ۴)

۱. رک: ملاک‌های قدر جامع در بحث صحیح و اعم در اصول فقه.

۲. رک: مقاله «روح معنی یا وضع الفاظ برای معانی عام» توسط موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام نور.

چگونگی کشف قدر جامع / نمای کلی



تصویر ۴ (چگونگی کشف قدر جامع)

متغیر دهم: منطق فقه تفریعی در تطبیق (ابزار گسترش دامنه مفهوم)

عملیات تفریع فروع در اصول و فقه باید در اجتهاد سیستمی هم صورت گیرد با این تفاوت که در اینجا قواعد فقه تمدنی بر مسئله‌های کلان تطبیق می‌شود.

متغیر یازدهم: منطق مدل‌سازی در ترکیب (علل اربعه + مقولات عشر + فرمول حرکت = ابزار ترکیب متغیرها)

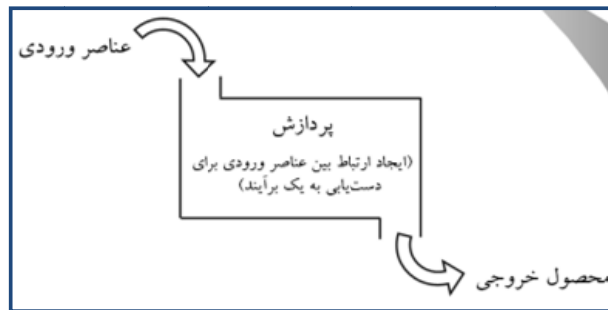
روش تحقیق مدل‌سازانه یا همان منطق مدل‌سازی، روش تحقیقی است که منجر به کشف فرآیند ایجاد یک پدیده یا یک تغییر شود؛ صرفاً تحلیل مفهومی یا مشاهده تجربی یا استقرای شواهد یا توصیف تک‌بُعدی از پدیده، نباشد، بلکه منجر به کشف چگونگی مسیر حل یک مسئله شود. بدون روش تحقیق مدل‌سازانه، تحقیقات در مرحله چستی و چرایی و برخی احتمالات باقی می‌مانند و رشدی حاصل نمی‌شود. برای دستیابی به مهارت تحقیق مدل‌سازانه، نیاز به نگرش سیستمی و فرآیندی به پدیده‌ها و موضوعات و مسائل است.

برای مدل‌سازی، ضروری است تصویر اولیه یک سیستم و نحوه عملکرد آن را در نظر داشته باشیم. (تصویر ۵)

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)



تصویر ۵ (شکل اولیه سیستم)

براساس تصویر فوق مراحل مدل‌سازی به شرح زیر است:

۱. تعیین خروجی سیستم (هدف و علت غایی) با شاخص‌های آن (کمیت، کیفیت، زمان، مکان، ارتباطات، زمینه ... عوارض نه گانه)؛
 ۲. تعیین ورودی‌های سیستم (علت مادی و خمیرمایه مدل نهایی) با شاخص‌های آن (چه عناصری با چه خصوصیتی باید با هم ترکیب شوند تا برآیند آنها تبدیل به خروجی سیستم شود؟)؛
 ۳. تعریف روابط علی و معلولی بین ورودی‌ها (علت‌صوری) با شاخص‌های آن (یعنی تعیین تابع تبدیل سیستم؛ شامل: تعیین نقطه شروع فرآیند + جهت گسترش فرآیند + کمیت و کیفیت فرآیند + مرکز ثقل + نقطه پایان + نقاط بحران)؛
 ۴. آزمایش (تفسیر نتایج حرکت مدل در عمل)؛
 ۵. اصلاح و بازنگری در هر سه مورد فوق (حلقه بازخورد سیستم).
- التزام به رساندن تحقیقات به مرحله «مدل‌سازی» سبب می‌شود فضای تحقیق از رکود و ذهنی بودن و عدم تأثیر در صحنه زندگی و اجتماع خارج شود. همچنین سبب می‌شود آموزه‌های دین، از صرف گفتارهای وعظ‌گونه به راهبردهایی برای رشد و توسعه تبدیل شود.

متغیر دوازدهم: ماتریس کلیدواژه‌ها (ابزار جست‌وجو)

کلیدواژه‌ها از تولید شبکه مسائل و استخراج موضوع و محمول هر مسئله و تبدیل آنها به معادل عربی در آیات و روایات تولید می‌گردد که در مواردی با ضرب کلیدواژه‌ها در هم به ماتریس آنها می‌رسیم.

متغیر سیزدهم: جدول تحلیل گزاره‌ای (ابزار کشف متغیرها و روابط و جمع دلالی)

جدولی باید تولید شود که در آن ابزارهایی برای کشف متغیرها مانند موضوع، متعلق موضوع، حکم، نوع حکم، لفظ دال بر حکم، نوع دلالت، متعلق حکم، متعلق متعلق، جهت، قرائن، ... قرار داده شده باشد تا بتوان هر فقره از گزاره را تحلیل کرد و مدلول انفرادی آنها را به دست آورد و سپس به جمع‌بندی و مقوله‌بندی آنها پرداخت تا بتوان مدلول جمعی گزاره‌ها را کشف کرد.

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)

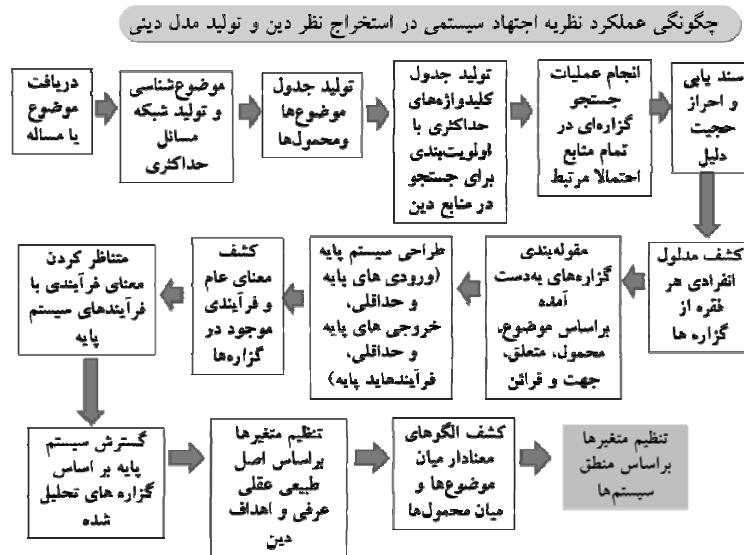
متغیر چهاردهم: ترجمه گزاره دین به زبان فرضیه علمی و استخراج راهبرد (خروجی)

این مرحله همان تبدیل و ترجمه گزاره‌های توصیه‌ای و اخلاقی به گزاره راهبردی است که با استفاده از منطق فرآیندها صورت می‌گیرد. این گزاره راهبردی می‌تواند حداقل^۱ برای جامعه علمی و تجربی، فرضیه‌ای علمی را تشکیل دهد که با آزمایش و روش تجربی و میدانی، آن را اثبات و تبدیل به نظریه و مدل کرد.

متغیر پانزدهم: موقعیت‌یابی فرضیه در الگوی پیشرفت و نقشه تمدنی (ابزار کشف دامنه و بُرد نظریه و آزمون انسجام بیرونی)

این متغیر برای بررسی مدل تولید شده با دیگر مدل‌ها و سیستم‌های دینی است تا در روند شبکه‌سازی، تمامی متغیرها و ارتباطات و تأثیر و تأثرها کشف گردد. متغیرهای مذکور مؤلفه‌های تأثیرگذار در نظریه اجتهاد سیستمی هستند که فرآیند آن به صورت الگوریتم قدم به قدم در شکل زیر ترسیم می‌گردد. (تصویر ۶)

۱. کلمه «حداقل» نوعی همراهی با رویکرد تجربی و مادی است و الا گزاره‌های دینی به دلیل خطاناپذیر بودن برای اصلاح و کمال جامعه قطعی و الزام‌آور هستند.



تصویر ۶ (چگونگی عملکرد مدل اجتهاد سیستمی)

- هر کدام از مراحل پانزده‌گانه مذکور در مدل، دارای الگوریتم داخلی است که به اختصار توضیحاتی مطرح می‌گردد.
۱. موضوع‌شناسی یا دریافت مسئله.
 ۲. موضوع‌شناسی و تولید شبکه مسائل: در این مرحله موضوع باید با ابزارهای مختلفی مانند اقسام المطالب، علل اربعه، مقولات عشر، فرمول تغییر و غیره لایه‌برداری شود تا تبدیل به شبکه مسائل حول آن موضوع گردد.
 ۳. تولید جدول موضوع و محمول: موضوع و محمول هر مسئله استخراج گردد و از آنها به عنوان کلیدواژه استفاده گردد، که این مرحله مقدمه کشف کلیدواژه‌های حداکثری برای جست‌وجو در منابع دینی است.
 ۴. تولید جدول کلیدواژه‌های حداکثری پس از طی مرحله و اولویت‌بندی آنها در جست‌وجوی منابع.
 ۵. انجام عملیات جست‌وجو: این مرحله با استفاده از نرم افزارها به خوبی صورت می‌گیرد به خصوص با حجم عظیم کتب روایی که در نرم‌افزارها گردآوری شده است. گفتنی است که موضوعات جدیدی که برای سیستم‌سازی مورد بررسی قرار می‌گیرد، پیشتر در مجموعه‌های روایی دسته‌بندی و باب‌بندی نگردیده، لذا بهترین مسیر استفاده از نرم افزار است.

۶. سندیابی و احراز حجیت ادله روایی.

۷. کشف مدلول انفرادی هر فقره از روایات: در این مرحله باید گزاره‌ها تحلیل شود و فقرات آنها کشف گردد و حکم و دلالت هر فقره استخراج گردد.

۸. مقوله‌بندی گزاره‌های تحلیل‌شده بر اساس موضوع. محمول (حکم)، نوع حکم، دلالت حکم، لفظ دال بر حکم، متعلق حکم، متعلق متعلق... و سپس کشف مدلول جمعی آنها.

۹. طراحی سیستم پایه. روش کشف و طراحی سیستم پایه:

(۱) تصویرسازی از هدف (خروجی سیستم)؛

(۲) انتخاب ورودی‌ها (مفاهیم و متغیرهای سیستم)؛

(۳) تعیین ضریب تأثیر آنها؛

(۴) تعریف روابط علی و معلولی (تابع تبدیل سیستم شامل: تعیین نقطه شروع فرآیند + جهت گسترش فرآیند + کمیت و کیفیت فرآیند + مرکز ثقل + نقطه پایان + نقاط بحران)؛

(۵) آزمایش (تفسیر نتایج حرکت مدل در عمل)؛

(۶) اصلاح و بازنگری

(۷) کشف معنای عام و فرآیندی در گزاره‌ها: روش کشف آن در چگونگی کشف جامع معنایی گذشت و در اینجا به یک مثال اکتفا می‌گردد. (تصویر ۷)



تصویر ۷ (نمونه برای کشف معنای عام و فرآیندی)

۸) متناظر کردن معنای فرآیندی با سیستم پایه: در این تناظر کمبودهای سیستم پایه با استفاده از فرآیندهای کشف‌شده از گزاره‌ها تکمیل می‌گردد؛

۹) گسترش سیستم پایه: در این مرحله گسترش ابتدایی با استفاده از فرآیندهای گزاره‌ها صورت می‌گیرد؛

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)

۱۰) تنظیم متغیرها بر اساس اصل طبیعی عقلی و عرفی و اهداف دین: باید اهداف دین و مقاصد الشریعه از گزاره‌های دین کشف گردد تا بتوان متغیرها را بر اساس آنها تنظیم کرد؛ یعنی هم در جهت اصلاح مسیر و روند سیستم که همخوانی با این اصول داشته باشد و هم در جهت تکمیل روند سیستم در مواردی که روندها و فرآیندها از گزاره‌های دین کشف نگردد؛

۱۱) کشف الگوهای معنادار میان موضوع و محمول‌ها: در این مرحله تمامی فرآیندها جمع‌بندی می‌شود تا به یک الگوی معنادار برای تولید مدل و سیستم برسیم؛

۱۲) تنظیم متغیرها بر اساس منطق سیستم‌ها. در این مرحله با بررسی مدل‌های جمعی گزاره‌ها و انطباق آنها با سیستم پایه، جایگاه هر گزاره، در سیستم کشف می‌شود به طوری که مشخص می‌گردد کدام گزاره اشاره به ورودی سیستم و کدام به هدف سیستم و... دارد که نتیجه آن تولید سیستم مورد نظر است.

با عنایت به مباحث فوق، این ادعا مطرح است که اگر اسلام‌شناس توانایی استنباط و استنتاج از گزاره‌های دین را داشته باشد و مراحل فوق را به دقت طی کند، می‌تواند مدل‌ها و سیستم‌های دینی را تولید نماید.

«فقه تمدنی» خروجی اجتهاد سیستمی

فقه تمدنی عبارت است از تعیین حکم فعل مکلف در مقیاس «تولید، استقرار، نگهداری و توسعه» یک تمدن. فقه تمدنی، تعیین حکم فعل مکلف در مقیاس جامعه‌سازی است. فقه تمدنی، تعیین حکم ساختارها و فرآیندهای جامعه‌سازی است. فقه تمدنی، ارتقای تعامل «تکلیفی فردی حقوقی» با گزاره‌های دین، به تعامل «ارشادی جمعی فرهنگی» احکام و قوانین فقهی، یک سیستم رفتاری است که آثار و اهداف تعیین‌شده‌ای را دنبال می‌کند؛ سیستمی که با تنظیم رفتارهای انسان در جهت صحیح، زندگی مطلوبی را برای انسان رقم می‌زند.

با توجه به اینکه زندگی از دو بخش اجتماعی و انفرادی تشکیل شده، نیازهای انسان نیز در دو بستر فرد و اجتماع (خرد و کلان) شکل می‌گیرد و فقه باید در حیطه مدیریت فرد و جمع کارآمدی داشته باشد که چنین فقهی فقط با اجتهاد سیستمی که نگاه کلان به گزاره‌های دینی دارد تحقق می‌یابد.

بنابراین اگر فقه بر مبنای «جامعیت شریعت»، همه رفتارهای جوارحی و جوانحی، فردی و اجتماعی و همه مکلفین (شخص حقیقی، حقوقی و شخص حقیقی در ضمن حقوقی یعنی در نظام و ساختار) را در بر می‌گیرد؛ و تمدن نیز چیزی جز ساختارها و

سیستم های به هم پیوسته پاسخگو به نیازهای بشر نیست؛ از این رو فقه باید حکم تمامی رفتارها در مقیاس تمدنی یعنی در ساختارها و نظام‌ها حتی در تولید، استقرار، نگهداری و توسعه یک تمدن را تعیین کند.

سیاست متعالیه

• سال سوم
• شماره هشتم
• بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)

تأثیر اجتهاد سیستمی در مدیریت آینده و تحقق تمدن مطلوب

آینده‌پژوهی، کشف و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر آینده، با هدف ایجاد آینده مطلوب است. بدین منظور باید از آنچه که می‌خواهیم بیافرینیم تصویری روشن و شفاف در ذهن داشته باشیم. همچنین نسبت به آینده ممکن که علی‌رغم تردید در وقوعش، تحقق آن اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد، باید آگاهی لازم داشته باشیم.

در قسمت هویت تمدن و تمدن‌سازی گفته شد که جوهره تمدن ساختارها و سیستم‌هاست، ساختارهایی که مبتنی بر نیازهای خرد و کلان جامعه است، و نیازشناسی هم نخستین قدم در تولید و تحقق تمدن اسلامی است که باید بعد از تولید هرم نیازها و اولویت‌بندی آنها، نقشه مسائل موضوعات تمدنی تولید گردد و این فرآیند مبتنی بر آینده‌پژوهی است. تمامی این مراحل زمانی از نظری بودن خارج می‌شود که ساختار و سیستم‌های پاسخگو به نیازهای جامعه با ابتنای بر درک صحیح از آینده مطلوب، توسط روشی موجه تولید و مدل‌سازی گردد و تنها راه تحقق این مهم اجتهاد سیستمی است.

اشکالی که عموم مدعیان انکار علم دینی مطرح می‌کنند، ضمانت صحت اجرایی این مدل‌های تولید شده است که با خطا مواجه نگردد و چگونه می‌توان مسیر زندگی اجتماع را بر اساس این مدل‌ها و سیستم‌ها ضمانت کرد؟ باید گفت همان گونه که در موارد تجربی وقتی یک فرضیه مطرح می‌شود و بعد تبدیل به نظریه می‌گردد، باز در یک مدل آزمایشی (پایلوت) کوچک اجرا می‌گردد و سپس در صورت تأیید و عدم خطا در روند مدل، به صورت عمومی در روند کلان جامعه عملی می‌شود، در سیستم‌های تولیدشده از گزاره‌های دین نیز می‌توان همین عملیات را پیاده‌سازی کرد. در حسن ختام مقاله، به بیان مقام معظم رهبری اشاره می‌کنیم: «نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شماست. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، سایت مقام معظم رهبری)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

علم دینی، متن محور است و براساس روش برهانی شده «اصول فقه» قابل دستیابی است.

اجتهاد سیستمی، روش موجه تولید علم دینی است.

اجتهاد سیستمی فرآیند قدم به قدم برای تولید سیستم‌های دینی است. اجتهاد سیستمی با ابتدای بر منطق فرآیندها، روشی موجه برای تحقق فقه تمدنی است. اجتهاد سیستمی با کشف نیازها و موضوعات و مسائل آینده، روشی برای تحقق آینده مطلوب در قالب مدل‌ها و سیستم‌هاست.

در اینجا به برخی از پیشنهادها و راهبردها اشاره می‌کنم:

۱. ضرورت نگاه کاربردی به متون حوزوی.
۲. ضرورت تغییر نگرش به اجتهاد از دید خرد به دید کلان و تمدنی.
۳. ضرورت تولید شبکه موضوعات و مسائل مورد نیاز جامعه در راستای الگوی پیشرفت.
۴. ضرورت تغییر روند موضوعات دروس خارج فقه و اصول حوزه به بررسی سیستم‌های کلان جامعه‌سازی.
۵. ضرورت تلفیق متخصصین حوزه و دانشگاه در پژوهش‌های واحد یا همسان‌سازی و ارتباط این دو در موضوع‌شناسی روند تولید سیستم‌های پاسخگو به نیازهای الگوی پیشرفت.
۶. ضرورت تولید مدل‌های دینی مبتنی بر نظر شارع برای تمدن‌سازی اسلامی.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان‌العرب، بیروت: دار صادر.
۲. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱)، فقه تربیتی، قم، موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
۳. بستان، حسین، و همکاران (۱۳۹۱)، گامی به سوی علم دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، وسائل‌الشیعه، کتاب القضاء، باب ۶، از ابواب صفات القاضی، ج ۲۷، ص ۶۲.
۵. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی: www.khamenei.ir
۶. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲)، فلسفه علوم انسانی، قم، تعلیم و تربیت اسلامی.
۷. خمینی، روح‌الله، وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره).
۸. _____، صحیفه امام.
۹. خمینی، سید حسن (۱۳۹۰)، گوهر معنی، تهران، اطلاعات.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ذیل کلمه تمدن.
۱۱. رهبری، دولت اسلامی و نهضت‌نرم‌افزاری، ص ۲۱.
۱۲. زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۹۰)، تجزیه و تحلیل سیستم‌ها و روش‌ها، دانشگاه پیام نور.

۱۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ترجمه المیزان، موسوی همدانی سیدباقر، سال چاپ ۱۳۷۴، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. علیپور، مهدی و سید حمیدرضا حسنی (۱۳۹۰)، پارادایم اجتهادی دانش دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار(ع)، تهران، اسلامیه.
۱۶. مخیر، سید محمد حسن (۱۳۹۲)، اجتهاد جواهری و فقه پویا در اندیشه امام خمینی(ره)، <http://mokhbe.blogspot.com>
۱۷. نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۲)، نگرش سیستمی به دین، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
۱۹. _____ (۱۳۹۲)، راهنمای تحقیق براساس نگرش اسلام، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

سیاست متعالیه

- سال سوم
- شماره هشتم
- بهار ۹۴

اجتهاد سیستمی،
راهبرد کلان تولید
الگوی اسلامی
پیشرفت در افق
آینده
(۵۹ تا ۸۲)